در گفت‌وگوی صمت با نماینده پیشین هرمزگان مطرح شد

مزیت‌های اقتصاد دریامحور برای ایران



«آب دریا اگر کم شود، جود و بخشش آن کم نمی‌شود». این ضرب‌المثل، شاید ساده به نظر برسد، اما پیام عمیقی درباره ظرفیت‌ها و منابع دریا و نقش آن در زندگی و اقتصاد انسان‌ها دارد. دریا، با وسعت و عمق خود، نه‌تنها منبع حیات و غذاست، بلکه فرصت‌های بی‌پایانی برای رشد اقتصاد، توسعه صنعتی و رفاه اجتماعی فراهم می‌کند. حتی اگر سطح آب یا دسترسی‌های آن محدود شود، ظرفیت‌های نهفته‌اش، همچنان قابلیت بهره‌برداری دارند و می‌توانند محرک توسعه پایدار باشند. سیدعبدالکریم هاشمی نماینده هرمزگان در مجلس نهم در این گفت‌وگو، به بررسی چگونگی بهره‌گیری شرکت‌های صنعتی ساحلی مانند فولاد خوزستان و فولاد هرمزگان از ظرفیت‌های دریایی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مدیریت هوشمند منابع آب، انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی، نوآوری فناورانه و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی می‌تواند همزمان بهره‌وری و پایداری را تقویت کند.

◉ به‌عنوان پرسش نخست، این نکته را تایید می‌کنید که اقتصاد دریامحور با وجود همه فرصت‌هایی که برای ما ایجاد می‌کند، کمتر مورد توجه تصمیم‌گیران کشور قرار گرفته است. به نظر شما تحریم‌ها باعث شده که فرصت‌های کنار دریا نادیده گرفته شود؟

توسعه‌نیافتگی اقتصاد دریایی در کشور ما صرفاً ناشی از تحریم‌ها نبوده است؛ بلکه بیش از هر چیز، نتیجه بی‌توجهی به ظرفیت‌های گسترده دریایی و فقدان یک برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ میان نهادها و تصمیم‌گیران این حوزه است.

درحالی‌که کشور ما از نظر منابع طبیعی، بنادر تجاری، سواحل طولانی و نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های دریایی ظرفیت‌های بالقوه زیادی دارد، این پتانسیل‌ها تاکنون به شکل بهینه مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. البته تحریم‌ها بدون شک تاثیرات منفی بر اقتصاد دریایی گذاشته‌اند، اما نمی‌توان منکر شد که اقتصاد دریا می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش اثر تحریم‌ها باشد.

بهره‌گیری هوشمندانه از تجارت دریایی، توسعه حمل‌ونقل دریایی، شیلات، صنایع وابسته و گردشگری ساحلی می‌تواند ضمن ایجاد منابع درآمدی مستقل، جایگزین مناسبی برای برخی واردات و تامین نیازهای داخلی باشد و مقاومت اقتصادی کشور را در برابر فشارهای خارجی افزایش دهد.

علاوه بر این، ناهماهنگی میان تصمیم‌گیران و دستگاه‌های متولی، ضعف زیرساخت‌ها و کمبود سرمایه‌گذاری در حوزه پژوهش و فناوری دریایی نیز باعث شده است که بسیاری از فرصت‌های اقتصادی دریا به دلیل مدیریت ناکارآمد از دست بروند.

با اتخاذ سیاست‌های راهبردی، هماهنگی بین‌بخشی و سرمایه‌گذاری هدفمند، اقتصاد دریایی نه‌تنها می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور ایفا کند، بلکه به‌عنوان یک موتور توسعه پایدار و مقاوم در برابر فشارهای خارجی عمل خواهد کرد.

◉ با این توصیف، به چه صورت بهره‌گیری از منابع انرژی محلی و ظرفیت‌های انرژی تجدیدپذیر دریایی می‌تواند هزینه‌های تولید و اثرات زیست‌محیطی صنایع فولادی را کاهش دهد و درعین‌حال توان رقابتی آنها را در بازارهای بین‌المللی ارتقا دهد؟

به نظر این حقیر، بهره‌گیری از منابع انرژی محلی و ظرفیت‌های انرژی تجدیدپذیر دریایی، می‌تواند تاثیر قابل‌توجهی بر کاهش هزینه‌های تولید و اثرات زیست‌محیطی صنایع فولادی داشته باشد و همزمان توان رقابتی این صنایع را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد.

این نتیجه به‌خصوص امروز که اقتصاد کشور گرفتار ناترازی است، برای همه روشن شده است که انتقال صنایع به سواحل دریا چه مزیت‌های زیادی به‌دنبال دارد.

قطعاً استفاده از منابع انرژی محلی باعث کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی وارداتی و نوسانات قیمت جهانی انرژی می‌شود. صنایع فولادی، که از جمله پرمصرف‌ترین صنایع انرژی‌بر هستند، می‌توانند با بهره‌گیری از انرژی پایدار و ارزان‌قیمت دریایی، هزینه‌های تولید خود را کاهش دهند و در نتیجه، محصول نهایی با قیمت رقابتی‌تر به بازار عرضه کنند. همچنین انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های زیست‌محیطی کمک می‌کنند.

این امر نه‌تنها با تعهدات بین‌المللی و استانداردهای زیست‌محیطی همسو است، بلکه امکان صادرات محصولات فولادی «سبز» یا کم‌کربن را فراهم می‌آورد. محصولاتی که در بسیاری از بازارهای جهانی با ارزش افزوده بالاتر و تقاضای فزاینده روبه‌رو هستند. مزیت بعدی توسعه زیرساخت‌های انرژی دریایی و استفاده از فناوری‌های نوین، افزایش بهره‌وری و کاهش اتلاف انرژی در فرآیندهای تولید است.

بهره‌گیری از انرژی پایدار می‌تواند به صنایع فولادی امکان دهد به‌جای تمرکز صرف بر هزینه‌های انرژی، منابع خود را برای ارتقای فناوری، بهبود کیفیت محصول و افزایش ظرفیت تولید اختصاص دهند. مسائلی که مستقیم بر توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی تاثیرگذار است. در مجموع، ادغام منابع انرژی محلی و تجدیدپذیر دریایی در زنجیره تولید فولاد، همزمان سه هدف کلیدی را محقق می‌کند. کاهش هزینه‌های تولید، کاهش اثرات زیست‌محیطی و افزایش رقابت‌پذیری محصولات در بازارهای جهانی. این استراتژی نه‌تنها به صرفه‌جویی اقتصادی کمک می‌کند، بلکه صنایع فولادی کشور را به سمت تولید پایدار و متناسب با استانداردهای بین‌المللی هدایت می‌کند.

◉ چگونه دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد و شبکه حمل‌ونقل دریایی می‌تواند مزیت رقابتی شرکت‌های صنعتی ساحلی مانند فولاد هرمزگان را در زنجیره تامین و صادرات تقویت کند و چه ریسک‌هایی مرتبط با آن وجود دارد؟

توسعه صنعت فولاد در سواحل جنوبی ایران، پاسخی راهبردی به بحران آب و سکوی جهش صادرات و رقابت‌پذیری کشور است. در پی تشدید خشکسالی و محدودیت منابع آب شیرین، بازنگری در جغرافیای استقرار صنایع آب‌بر، به‌ویژه صنعت فولاد، به ضرورتی ملی تبدیل شده است. در این چهارچوب، سواحل جنوبی ایران با برخورداری از دسترسی پایدار به آب دریا، امکان احداث آب‌شیرین‌کن‌ها، ظرفیت‌های انرژی، موقعیت ممتاز لجستیکی و نزدیکی به مسیرهای اصلی تجارت جهانی، به کانون جدید توسعه فولاد کشور بدل شده‌اند.

رویکردی که هم فشار بر منابع آبی داخلی را کاهش می‌دهد و هم با کاهش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل، زمینه حرکت به سوی فولاد سبز و کم‌کربن را فراهم می‌کند.

در این میان، فولاد هرمزگان به‌عنوان یکی از واحدهای راهبردی زیرمجموعه گروه فولاد مبارکه جایگاهی ویژه در جغرافیای صنعتی جنوب کشور دارد. استقرار در مجاورت خلیج فارس، دسترسی به زیرساخت‌های بندری، اراضی توسعه‌ای، آب دریا و شبکه حمل‌ونقل دریایی، این شرکت را به پایگاه اصلی اجرای طرح‌های توسعه‌ای فولادی در جنوب تبدیل کرده است.

ایجاد ظرفیت‌های جدید در حوزه احیای مستقیم، فولادسازی و تولید فولادهای پیشرفته، نه‌تنها به تکمیل زنجیره ارزش کمک می‌کند، بلکه توان صادراتی کشور را نیز بالا می‌برد. دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، یکی از مهم‌ترین مزیت‌های رقابتی شرکت‌های صنعتی ساحلی مانند فولاد هرمزگان است.

چراکه شرکت فولاد هرمزگان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولادی در کشور که ماهیت صادراتی دارد و بخش عمده‌ای از تولیدات آن به کشورهای مختلف صادر می‌شود با استفاده از این مزیت نقش پررنگی در صنعت و اقتصاد کشور ایفا می‌کند.

درواقع صادرات محصولات نهایی را با هزینه کمتر و بدون وابستگی گسترده به حمل‌ونقل زمینی فراهم می‌کند و در نتیجه، هزینه‌های لجستیکی و زمان تحویل کاهش می‌یابد. همچنین بهره‌گیری از کشتی‌های بزرگ و حمل محموله‌های فله‌ای، صرفه‌های ناشی از مقیاس را افزایش داده و قیمت تمام‌شده محصول را رقابتی‌تر می‌کند که عاملی تعیین‌کننده در بازارهای جهانی فولاد است.

◉ نقش مدیریت پایدار منابع آبی و فناوری‌های بازچرخانی آب در شرکت‌های صنعتی ساحلی چه تاثیری بر پایداری عملیاتی، کاهش ریسک‌های محیط زیستی و پاسخ به محدودیت‌های منابع طبیعی دارد؟

مدیریت پایدار منابع آبی و بهره‌گیری از فناوری‌های بازچرخانی آب در شرکت‌های صنعتی ساحلی نقش کلیدی در افزایش پایداری عملیاتی، کاهش ریسک‌های محیط زیستی و پاسخ به محدودیت‌های منابع طبیعی ایفا می‌کند.

صنایع سنگین مانند فولادسازی و پتروشیمی به‌عنوان مصرف‌کنندگان عمده آب، در مناطقی با محدودیت منابع آبی با چالش‌های جدی مواجه هستند و هرگونه بی‌توجهی به مدیریت منابع آب می‌تواند موجب توقف تولید، کاهش بهره‌وری و تحمیل هزینه‌های اضافی شود. چنان که درباره خیلی از صنایع این اتفاق رخ داده است. استفاده از فناوری‌های بازچرخانی آب، تصفیه پساب و بهره‌گیری از آب دریا پس از فرآیندهای تصفیه، به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا نیاز خود را به منابع تازه کاهش دهند و وابستگی به منابع محدود زمینی و آب‌های زیرزمینی را کم کنند. این اقدامات نه‌تنها به کاهش فشار بر اکوسیستم‌های محلی و جلوگیری از برداشت بیش از حد آب‌های زیرزمینی کمک می‌کند، بلکه اثرات منفی زیست‌محیطی ناشی از تخلیه پساب صنعتی به محیط زیست را نیز کاهش می‌دهد.

البته باید دید بنگاه‌های مستقر در ساحل، چگونه از این مزیت استفاده کرده و می‌کنند. علاوه بر این، مدیریت هوشمند منابع آب موجب افزایش پایداری عملیاتی می‌شود، زیرا شرکت‌ها با برنامه‌ریزی دقیق مصرف آب و اعمال چرخه‌های بازچرخانی می‌توانند در شرایط خشکسالی، کمبود آب یا محدودیت‌های قانونی عملکرد خود را بدون وقفه حفظ کنند. این استراتژی همچنین هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد، زیرا نیاز به خرید یا انتقال منابع آب جدید کمتر می‌شود و هزینه‌های مرتبط با تصفیه پساب و جریمه‌های زیست‌محیطی کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های بازیابی آب، اسمز معکوس، و فرآیندهای تصفیه چندمرحله‌ای امکان بازگرداندن آب با کیفیت بالا را برای استفاده مجدد در فرآیندهای صنعتی فراهم می‌آورد که به بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش آلودگی کمک می‌کند. مدیریت پایدار منابع آبی و بازچرخانی آب به شرکت‌های صنعتی ساحلی این امکان را می‌دهد تا پاسخگوی محدودیت‌های منابع طبیعی باشند، عملکردی مقاوم و پایدار ایجاد کنند و همزمان تعهدات زیست‌محیطی و استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنند.

◉ به نظر شما چگونه فعالیت شرکت‌های صنعتی در مناطق ساحلی می‌تواند محرک توسعه منطقه‌ای و اجتماعی باشد و درعین‌حال با اصول اقتصاد آبی و توسعه پایدار هم‌سویی داشته باشد؟

چنان که شرح دادم، فعالیت شرکت‌های صنعتی در مناطق ساحلی می‌تواند به‌عنوان یک محرک قدرتمند توسعه منطقه‌ای و اجتماعی عمل کند، به شرط آنکه با برنامه‌ریزی راهبردی و رعایت اصول اقتصاد دریامحور و توسعه پایدار همسو باشد. حضور صنایع بزرگ در این مناطق معمولاً فرصت‌های شغلی گسترده‌ای برای جوامع محلی ایجاد می‌کند و موجب ارتقای مهارت‌های فنی‌وحرفه‌ای نیروی کار منطقه می‌شود.

علاوه بر این، توسعه زیرساخت‌های صنعتی شامل بنادر، شبکه حمل‌ونقل، تاسیسات انرژی و آب، می‌تواند بهره‌وری اقتصادی کل منطقه را افزایش دهد و زمینه رشد صنایع کوچک و متوسط وابسته به زنجیره تامین را فراهم کند.

این موضوع به ایجاد چرخه‌ای از ارزش افزوده محلی و افزایش درآمدهای منطقه‌ای منجر می‌شود و موجب کاهش نابرابری اقتصادی و تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. درعین‌حال، رعایت اصول اقتصاد آبی و توسعه پایدار به شرکت‌ها امکان می‌دهد فعالیت‌های صنعتی را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که بهره‌برداری از منابع آبی و محیطی به حداقل فشار برسد و اثرات زیست‌محیطی کنترل شود.

استفاده از فناوری‌های بازچرخانی آب، مدیریت پایدار پساب و انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی، نمونه‌هایی از اقداماتی هستند که می‌توانند همزمان با توسعه اقتصادی، حفاظت از اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی را تضمین کنند.

◉ به‌عنوان پرسش آخر، بفرمایید که چه استراتژی‌هایی برای هم‌راستایی همزمان بهره‌وری اقتصادی، نوآوری فناورانه و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی لازم است تا شرکت‌های صنعتی ساحلی بتوانند از مزیت‌های استراتژیک دریا برای رشد بلندمدت استفاده کنند؟

ما هرمزگانی‌ها ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید، «دریا اگر آبش کم شود، جود و بخشش آن کم نمی‌شود.» خیلی معنی دارد. اما برای اینکه شرکت‌های صنعتی ساحلی بتوانند از مزیت‌های استراتژیک دریا در رشد بلندمدت بهره‌مند شوند، لازم است استراتژی‌هایی اتخاذ کنند که همزمان بهره‌وری اقتصادی، نوآوری فناورانه و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی را تقویت کنند. نخستین محور این استراتژی، بهینه‌سازی زنجیره تامین و بهره‌وری منابع است.

من به جد معتقدم دسترسی مستقیم فولاد هرمزگان به آب‌های آزاد خلیج فارس و بنادر ساحلی، فرصتی منحصربه‌فرد برای کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل مواد اولیه و صادرات محصولات فراهم می‌کند. به‌جای وابستگی به حمل‌ونقل زمینی طولانی و پرهزینه، استفاده از مسیرهای دریایی امکان تحویل سریع‌تر و اقتصادی‌تر محصول را می‌دهد.

همزمان، مدیریت هوشمند منابع انرژی و آب، از طریق به‌کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های بازچرخانی آب، به کاهش هزینه‌های عملیاتی و کاهش اثرات زیست‌محیطی کمک می‌کند. فولاد هرمزگان می‌تواند با به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته مانند بازیافت حرارتی گازهای خروجی، سیستم‌های اسمز معکوس برای تصفیه آب و حسگرهای هوشمند برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، همزمان بهره‌وری و پایداری محیط زیستی را ارتقا دهد. این نوآوری‌ها به شرکت امکان می‌دهد در بازارهای جهانی محصولات کم‌کربن و دوستدار محیط زیست عرضه کند و مزیت رقابتی بلندمدت ایجاد کند.

من دوست دارم در پایان صحبت‌هایم به این نکته هم اشاره کنم که همسویی با اصول توسعه پایدار یک مسئولیت اجتماعی است. شرکت‌های صنعتی ساحلی باید با جوامع محلی همکاری کرده و ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی و ارتقای مهارت‌های نیروی کار، پروژه‌های محیط زیستی و آموزشی را حمایت کنند. فولاد هرمزگان، با اجرای پروژه‌های کاهش آلاینده‌ها، مدیریت پسماند و حفاظت از اکوسیستم‌های ساحلی، می‌تواند اعتماد جامعه و نهادهای قانونی را جلب کند و به یک تصویر مثبت از مسئولیت‌پذیری محیط زیستی دست یابد.

این همسویی، در کنار مزایای اقتصادی و فناورانه، نقش مهمی در پایداری بلندمدت شرکت دارد و ریسک‌های اجتماعی و محیطی را کاهش می‌دهد. درنهایت، یک استراتژی موفق باید این سه محور را با هم تلفیق کند.

بهره‌وری اقتصادی از طریق مدیریت هوشمند منابع و زنجیره تامین، نوآوری فناورانه برای کاهش هزینه و بهبود کیفیت محصول، و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی برای همسویی با توسعه پایدار. این هم‌راستایی باعث می‌شود شرکت‌های صنعتی ساحلی مانند فولاد هرمزگان بتوانند از مزیت‌های استراتژیک دریا بهره‌برداری کنند، ریسک‌های عملیاتی و زیست‌محیطی را کاهش دهند و جایگاه رقابتی خود را در بازارهای داخلی و بین‌المللی تقویت کنند.